

ادامه از صفحه ۶

روابط درون لانه خط‌کشی‌شده‌بود

از نگاه من تاکید بر این قابلیت‌ها همراه با مبانئ اعتقادی، می‌تواند برای دختران فعال امروزی راهگشا باشد و قدرت مانور جریان‌های ارتجاعی متحجر را هم محدود کند.

۴ پس با ما هم‌نظر هستید که لازم است نقش زنان به عنوان نیمه دیگر این‌ رویداد دیده شود؟

باید دیده و مطالعه شود. حتی می‌توان از آن یک تئوری و نظریه برای نوع مشارکت و فعالیت اجتماعی خانم‌ها استخراج کرد؛ البته وقتی این امر را به این شدت تأیید و تاکید می‌کنم، لازم است زاویه دید من روشن باشد. من به عنوان زن مسلمانی که به قرائت خط امامی از اسلام اعتقاد دارد، صحبت می‌کنم و منظور این نیست که تجویز می‌کنم زنان برای مشارکت و حرکت در راهی که امام برای‌شان باز کرده‌اند، مقدمات اسلامی حضور در اجتماع مثل رعایت حجاب و رفتار اسلامی را نادیده بگیرند.

۴ شما چقدر با دیدگاه‌های فعالان حوزه زنان همراه هستید؟

شاید بعضی خواهران من، این دیدگاه را هم جنسیت‌زده بدانند؛ اما من فمینیست نیستم و فکر می‌کنم مفهوم جنسیت فقط درون خانواده مطرح می‌شود که مناسباتی مکمل را برای اداره امور خانواده و تنظیم روابط زن و مرد اقتضا می‌کند؛ اگرچه به اصلاح و به‌روزرکردن قوانین مدنی و اسلامی به سود زنان و پاسخ به تحولات عصر و بحران‌های گریبان‌گیر جامعه و خانواده به شدت معتقدم. در پیرون از خانه و محیط اجتماعی، همه انسان‌هایی هستیم که باید پراساس سلیافت، توانمندی و ظرفیت خود برای ارتقای جامعه در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی تلاش کنیم. محروم‌کردن زنان از مناصبی که قادر به اداره آن‌اند، با محروم‌کردن مردان از مناصبی که شایستگی آن را دارند، تفاوتی ندارد. در هر دو اتفاق، این جامعه است که دچار خسران و نقصان در عملکرد و نتیجه می‌شود و دودش به چشم همه می‌رود. مضافاً اینکه با بروز پدیده نامبارک کاهش ازدواج و بحران دختران مجرد قطعی، امکان تأمین نفقه زن از سوی همسر منافی است و باید در قوانین اشتغال و بیمه‌های حمایتی زنان حتماً تجدیدنظر شود.

۴ اجازه دهید به موضوع سفارت برگردیم. شما به وظایف نظامی خانم‌ها مثل پاس‌دادن‌ها و... اشاره کردید. به کارهایی مثل ترجمه و جمع‌آوری اسناد هم در این سال‌ها توجه شده است. خانم‌ها کار دیگری هم انجام می‌دادند که دیده نشده باشد؟

این‌ها که گفتید هم کم نبوده است. به طور معمول فردی که جز پاس‌دادن مسئولیت دیگری نداشت، در روز دو بار پاس می‌داد. شش، هفت ساعت برای استراحت لازم داشت؛ وقتی هم برای غذا و نماز، چند ساعتی هم اضافه می‌ماند. کسانی که مثل ما در بخش روابط‌عمومی برای مصاحبه‌های داخلی و خارجی یا بخش اسناد برای ترجمه و دسته‌بندی اسناد و نیز ارتباط با گروهان‌ها درگیر بودند، تقریباً اصلاً وقت اضافی نداشتند؛ ولی برای خواهران و برادرانی که صرفاً کار پاسداری داشتند، کلاس‌های ایدئولوژی مثل تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه و اخلاق و... برگزار می‌شد.

بخشی از وقت هم به کارهای شخصی اختصاص داشت. به‌هرحال در جایی مثل سربازخانه زندگی می‌کردیم و زمانی برای لباس شستن، استحمام و ... نیاز بود.

۴ فضایی که برای این کارها در اختیارتان بود را توصیف می‌کنید.

هر ساختمان در اختیار یک دانشگاه بود و همان‌جا واحد خانم‌ها و آقایان جدا شده بود. از نظر محل خواب با دختران دانشگاه‌های دیگر ارتباطی نداشتیم و فقط یکدیگر را در محوطه می‌دیدیم. دختران پلی‌تکنیک در اتاق سفیر در ساختمان مرکزی مستقر بودند.

۴ پس از نظر جای اقامت در وضعیت خوبی بودید.

به‌هرحال اتفاقی بود و یک فرش و چند پتوی سربازی. سختی خاصی از این لحاظ احساس نمی‌شد؛ زیرا ارزش کار به قدری بود که این مسائل به چشم نمی‌آمد. حتماً بودن در آن محیط با هفته‌ای دو ساعت مرخصی، دوری از خانواده، شستن و پوشیدن یک دست لباس و امکانات محدود زندگی سختی‌هایی هم داشته است، اما بزرگی ارزش‌های این حماسه، این سختی‌ها را کوچک و حتی شیرین و دلنشن می‌کرد.

۴ از نظر شما مهم‌ترین وظیفه‌ای که زنان در سفارت برعهده داشتند کدام‌یک از کارهایی بود که انجام می‌شد؟

بازسازی اسناد در سفارت پروژه خواهران بود. خواهرانی که در مسائل جاری اشتغال کمتری داشتند، به بازسازی اسناد رسته‌شده اقدام کردند و حتی از تعدادی از دانش‌آموزان دبیرستانی که خیلی مایل بودند به جریان لانه ملحق شوند، باری گرفتند. بازسازی این اسناد که بسیار برای ملت ایران و حتی دیگر ملل جهان از نظر شناخت نحوه عملکرد و جاسوسی آمریکا در کشورها ارزشمند است، مدیون حوصله، صبر و برکت نگاه زنانه در مدیریت این کار بود.

۳۶ سال از قراری که پیرو خط امامی‌ها در خیابان روزولت داشتند، گذشته است. هم نسلی که آن روزها نظاره‌گر ۴۰۰ دانشجویی بود که از دیوار سفارت بالا رفتند، هم نسل من که خاطره آن روزها را خوانده است و حتی جوان‌ترهایی که هفته قبل با هم‌کلاسی‌های خود در راهپیمایی ۱۳ آبان شرکت کرده بودند و سلفی می‌گرفتند، از این رویداد مهم در تاریخ معاصر بسیار شنیده‌اند. همه می‌دانند که آن روز پایان روابط سیاسی ایران و آمریکا بود. می‌دانند که آن جوانان از دانشگاه‌های پلی‌تکنیک و علم‌وصنعت و... آمده بودند. اینکه گروهان‌های آمریکایی ۴۴۴ روز در آن ساختمان زندگی کردند و خیلی مسائل دیگر را بارهاوبارها خوانده و شنیده‌اند اما نیمه

زنانه این ماجرا که حاکمی از نقش و حضور دختران دانشجو در آن دوران است کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اینکه چند نفر از آن جمع ۴۰۰ نفره زن بودند، آن روزها در سفارت تسخیرشده چه می‌کردند، نام‌هایشان چه بود و الان مشغول چه کاری هستند را کمتر می‌دانیم. همه آنها مانند معصومه ابتکار یا فروز رجایی‌فر شناخته نشدند زیرا نه از روزهای تسخیر سفارت نقش مترجم و سخنگو به عهده گرفته بودند و نه بعد از آن وارد عرصه‌های سیاسی و مدیریتی شدند و نه حتی دراین‌باره مایل به گفت‌وگو هستند. اینکه ماجرای گروهان‌گیری و تسخیر سفارت هر سال با کمترین توجه به نقش زنان تعریف می‌شود احتمالاً به‌خاطر همین نبود تمایلی است که از سوی برخی از آنها برای روایت‌کردن آن‌روزها شاهدیم. این درحالی است که مردها هیچ‌وقت از پاسخ‌دادن به سوالات موجود، دیرساره آن روزها طفره نرفته‌اند. برای مثال ابراهیم اصغرزاده به‌عنوان یکی از دانشجویان خط امامی آن روز، تاکنون بارها در این‌باره گفت‌وگو کرده است اما همسرش طاهره رضازاده، قاضای «شرق» برای یک روایت زنانه از آن دوران را رد می‌کند و می‌گوید که به‌هیچ‌وجه مایل نیست دراین‌باره صحبت کند، خصوصاً اینکه بخواهیم موضوع را از زاویه دیگری نگاه کرده و یک اتفاق ملی را زنانه و مردانه کنیم؛ به‌هرحال جست‌وجو برای یادکردن دیگر زنان حاضر در سفارت هم چندان نتیجه‌بخش نیست و کسانی که می‌توان از آنها نام برد بیشتر از ۲۰ نفر نمی‌شوند. نمی‌توان با قطعیت گفت که زنان پنج درصد از دانشجویان تسخیرکننده سفارت بودند یا بیشتر اما نگاهی به خاطرات و گفت‌وگوهایی اندکی که از همین تعداد منتشر شده است، روشن می‌کند که سیزدهم آبان هم با همراهی زنان به یک اتفاق ملی و اثرگذار در ساحت سیاسی کشور بدل شده است.

اولین تماس را یک زن گرفت

«قرار بود اخبار تسخیر سفارت به همراه نخستین بیانیه برای اخبار ساعت دو بعد از ظهر در اختیار صدای جمهوری اسلامی قرار گیرد. یکی از خواهران به رادیو تلفن کرده بود. وقتی از او پرسیدند از کجا تلفن می‌کند و چه می‌خواهد، وی با آرامی پاسخ داد: «از سفارت سابق آمریکا و لانه جاسوسی فعلی تماس می‌گیرم...». همین که تماس اولیه‌ای را یکی از زنان حاضر در جریان تسخیر سفارت گرفته است، ثابت می‌کند که لازم است نیمه زنانه این رویداد، بهتر بررسی شود. این خاطره‌ای است که معصومه ابتکار در کتابی با عنوان «تسخیر» نوشته تا وقایع درون سفارت را روایت کرده باشد.

خواهر مری، سال ۵۸ از همه زنان دیگر معروف‌تر شد زیرا او که زبان انگلیسی را خوب می‌دانست از ابتدا مسئول برقراری ارتباط با رسانه‌های خارجی بود و به‌همین‌خاطر بیش از دیگران نامش شنیده شد. بعدها رشته دانشگاهی‌اش را عوض کرد، علوم آزمایشگاهی و ایمنی‌شناسی خواند و زمانی هم سردبیر کیهان انگلیسی شد. شش سال نماینده مردم تهران در شورایی شهر بود و در دولت اصلاحات و اکنون در دولت دولت یازدهم، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست و معاون رئیس‌جمهوری است. شغلی که انگار مورد علاقه خانواده اوست زیرا پدرش، تقی ابتکار هم دومین رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران بود.

مسئولیت‌ها، این سوو آن سوی دیوار

کار زنان در تسخیر سفارت از همان ابتدا و پیش از بالا رفتن از دیوار شروع شده بود. آنها مسئولیت حمل تجهیزات اولیه‌ای که برای این کار پیش‌بینی شده بود را به عهده داشتند. طراحان این پروژه بردن وسایلی مثل قیچی آهن‌بر و چوب‌های تراشیده‌ای که برای زمان درگیری در نظر گرفته شده بود را به دختران چادری سپرده بودند. آن‌طور که فروز رجایی‌فر تعریف کرده است این خانم‌ها در صف‌های عقبی و نزدیک پسرها بودند تا به‌موقع تجهیزات را به آنها برسانند. مسئله فقط این نبوده و حضور زنان به شکل دیگری نیز به پیشبرد نقشه کمک می‌کرده است. حضور آنان در صف‌های جلویی باعث می‌شده که گارد محافظ سفارت خیلی نگران نشوند و کار بهتر پیش رود.

مسئولیت‌های زنان، آن طرف دیوار سفارت هم ادامه پیدا کرد. مثلاً نگهداری از گروهان‌های زن به آنها سپرده شده بود. ترجمه و مصاحبه با شبکه‌های خارجی هم بخش دیگری از این مسئولیت‌ها بود. جمع‌آوری اسناد نیز یکی دیگر از کارهایی بود که دختران سفارت در آن کمک می‌کردند. آن‌طور که شهبیا ملک روایت کرده است «یکی از کارهایی که

سیاست



نیمه دیگر تسخیر

دختران سفارت

بچه‌ها می‌کردند این‌ بود که در یک اتاق تاریک نوار تایپ را می‌خواندند و می‌نوشتند یا کاغذ‌های رشته شده را به هم می‌چسباندند.»

یکی دیگر از دختران سفارت به نام زهرا ای نیز در گفت‌وگویی با «مهرخانه» وقتی از شیوه ورود خود به سفارت حرف می‌زند، اشاره‌ای به جمع‌آوری اسناد دارد. او دراین‌باره گفته است: «در زمان تسخیر لانه جاسوسی من سال چهارم دبیرستان بودم و از طریق یکی از دوستانم «بهجت مرتضوی» که با هم در کلاس تفسیر قرآن شرکت می‌کردیم و دانشجوی رشته تغذیه دانشگاه تهران بود، برای جمع‌آوری اسناد به سفارت آمریکا رفتم».

او مراحل جمع‌آوری اسناد را این‌طور توصیف کرده است: «از روی حرف‌ها، فاصله‌ها و علائم رشته بعدی را با آن هماهنگ می‌کردیم. خانم مرتضوی می‌گفت که بازسازی اسناد را باید به افراد مطمئن سپرد و از این‌رو چند نفر برای این‌ کار انتخاب شدند. آنها رشته کاغذ‌های اسناد خردشده را برای ما می‌آوردند و ما با احتیاط آنها را برمی‌داشتیم و روی تخته‌ای که به اندازه کاغذ A۴ بود گذاشته و این رشته‌های کاغذ را داخل کشی که به این تخته وصل شده بود، قرار می‌دادیم. یک کش بالای تخته بود و یک کش در پایین و ما یک سر رشته کاغذ را زیر کش می‌گذاشتیم و رشته بعدی را نگاه می‌کردیم و از روی حرف‌ها، فاصله‌ها و علائم، رشته بعدی را با آن هماهنگ می‌کردیم».

کار فرهنگی بخش دیگری از مسئولیت زنان در دوران حضور در سفارت بود. فائزه مصلحی به‌عنوان یکی دیگر از دانشجویان حاضر در لانه در بیان خاطراتش – در گفت‌وگو با «مهرخانه» – به فعالیت‌های خود در چادری که از طرف انجمن اسلامی دانشگاه مقابل سفارت برپا شده بود، اشاره کرده و گفته است: «خارج سفارت سمت خیابان طالقانی چادری برپا شد که محل ارتباط مردم با مجموعه داخل سفارت بود. حدوداً چهار تا پنج ماه در این جادر فعالیت داشتیم و سوالات مردم که درمورد مسائل مختلف بود را تا حدی که می‌دانستیم پاسخ می‌دادیم، سوالاتی هم که نمی‌دانستیم کسب اطلاع می‌کردیم و به مردم جواب می‌دادیم. بخش تراکت و پوسترهایی که از طرف خود دانشجویا چاپ شده بود، از دیگر فعالیت‌های ما بود. ارگان‌ها، نهادها و خصوصاً آموزش‌وپرورش از این پوسترها می‌بردند و این چادر، محل پخش لوازم فرهنگی و تبلیغی هم بود».

پاس‌دادن‌ها و کلاس‌ها

به نظر می‌رسد که اصلی‌ترین کار زنان در سفارت ترجمه و کمک به پیداکردن اسناد بوده است اگرچه عکس‌های آن دوران و خاطراتی که نقل شده، نشان می‌دهد پاس‌دادن نیز در سفارت تسخیرشده، زن و مرد نداشته است. شهبیا ملک یکی از دیگر دختران سفارت بود. از آنجایی که زبان انگلیسی را خوب می‌دانست از سوی تسخیرکنندگان دعوت به همکاری شد و از ۱۸ آذر ۵۸ به جمع آنان پیوست. او در گفت‌وگویی با «تاریخ ایرانی» از آنچه روزها در سفارت انجام می‌دادند صحبت کرده و گفته است: «خانم‌ها هم پاس می‌دادند. خیلی هم بی‌رحمانه بود، اصلاً تعارف نداشتند. زمان پاس سه ساعت بود و مثلاً اگر در زمان پاس خوابت می‌برد، باید شش ساعت در برف و سرما می‌ایستادی. اردوهای سه‌روزه برای خانم‌ها می‌گذاشتند. در چادریمان اشک‌آور می‌انداختند، تیراندازی داشتیم».

او در لایه‌لای خاطراتش درمورد آنچه در طول روز انجام می‌داده، گفته است: «در مورد خودم این‌طور بود که یا پاس داشتم یا اینکه در حال ترجمه بودم، بعد ناهار و نماز، شب‌ها هم با هم حرف می‌زدیم، کتاب می‌خواندیم. یک سری کلاس برگزار می‌شد که در آنها شرکت می‌کردیم. کلاس‌های نهج‌البلاغه آقای حجازریان بود. آقای حائری‌شیرازی کلاس اخلاق داشتند. کلاس‌های دفتر تحکیم وحدت خارج از سفارت را می‌رفتم، کلاس فلسفه بود، کلاس عکاسی بود. فضا چنان بود که هر چیزی را می‌خواستیم تجربه کنیم. هم‌زمان به سه کلاس زبان می‌رفتم؛ انگلیسی، فرانسه و عربی. از اتفاق‌های جالب آنجا این بود که هر روز مهمانانی داشتیم که با آنها کپ و گفت‌وگو داشتیم. پرسش

رویداد تاریخی در زندگی شخصی خود نیز فصل‌نوی را آغاز و با ابراهیم اصغرزاده ازدواج کرد. همسرش آن‌روزها سخنگوی دانشجویان پیرو خط امام بود و حالا یک چهره سیاسی اصلاح‌طلب است.

زهرة سادات‌نظری نیز همسر شهید رحمان دادمان شد و در گفت‌وگویی با خبرآنلاین، همان‌طور که هم‌سنگری و همراهی با او را مایه افتخار خود دانسته، گفته است: «در زمان تسخیر لانه جاسوسی هم ایشان و هم من حضور داشتیم. ایشان در شورای مرکزی لانه نقشی استراتژیک داشتند و من به‌عنوان یک دانشجوی حرف و کپ ازدواج ما نیز در همین ایام بود. ۱۰ مهر همان سال، خواستگاری ایشان از من بود ۲۷ مهر همان‌ سال عقد و ۲۰ آبان هم آغاز زندگی مشترک‌مان».

فرح جهانگیری و شهید عباس ورامینی، لعیا پورانصاری و محمدعلی مصلحی، دکتر فیروزآبادی و شهید حسین شوریده از دیگر زوج‌های گروهان‌گیری سفارت بودند. پورانصاری در بخشی از یک گفت‌وگو با «تاریخ ایرانی» درمورد ازدواج‌های سفارت گفته است: «بعد از اینکه جریان لانه تمام شد بچه‌ها که به فکر ازدواج افتادند، دیدند چه بهتر با کسانی ازدواج کنند که هم‌فکر و همراهشان باشند. من با همسرم در سفارت ارتباط مستقیمی نداشتیم. با اینکه مسئول اسناد بودند و درادآور می‌شناختم، اما در حقیقت بعد از قضیه لانه بود که به هم معرفی شدیم. ازدواج‌ها بیشتر به‌صورت معرفی بود، مثلاً آقای عبدی ازدواج کرده بودند، بعد از طریق همسرشان بچه‌ها به هم معرفی می‌شدند، مثلاً خانم عبدی دوست همسر آقای میردامادی بود. بعد این دو نفر را به هم معرفی کردند».

فروز رجایی‌فر یکی دیگر از دختران سفارت است که آن روزها ازدواج کرد و عکسی که از حاشیه عقد او در باغ سفارت موجود است، حضور دختران دیگری با نام‌های خانوادگی قنبری، میرموسوی، متولیان، مقدم و زندی را به تصویر می‌کشد؛ دخترانی که به‌سادگی نمی‌توان فهمید بعد از آن ۴۴۴ روز کجا رفتند و در این سال‌ها چه کرده‌اند اما در کنار هم نیمه زنانه این اقدام انقلابی را تشکیل داده بودند.

منهای پایتخت

فردا همایش حزب اعتدال‌وتوسعه استان‌مازندران

● **ایلنا- ساری:** مهدی قاسمی، دبیر حزب توسعه و اعتدال استان مازندران، گفت: در سال دولت و ملت؛ همدلی و هم‌زبانی این حزب قصد دارد در جهت تحقق شعار سال حرکت کند. برای اینکه کارهای حزبی در مسیر درست حرکت کند و بتواند به اهداف خود برسد، حزب باید ساختار درست و منظمی داشته باشد. دبیر حزب توسعه و اعتدال مازندران افزود: دولت تدبیر و امید برآمده از تفکر اعتدال بود که مردم از آن استقبال کردند و در خرداد سال ۹۲ حماسه آفریدند. نخستین همایش حزب توسعه و اعتدال استان مازندران روز چهارشنبه ۲۰ آبان‌ماه در سالن همایش اداره تأمین اجتماعی مرکز استان جنب فرمانداری ساری برگزار می‌شود.

توهین به هیچ قوم وگروهی پذیرفتنی نیست

● **ایرنا- ارومیه:** حجت‌الاسلام سیدمهدی قریشی، نماینده ولی‌فقیه در آذربایجان غربی و امام‌جمعه ارومیه، در واکنش به توهین برنامه فیتله به ترک‌زبان‌ها با صدور پیامی گفت: توهین به هیچ قوم و گروهی پذیرفتنی نیست. او افزود: اقدام سخیف و غیرمنطقی در برنامه فیتله که رسالت سنگین تربیت انسان‌ها برای آینده ایران را برعهده دارد، دل همه را آزرده و یک‌بار دیگر دست اختلاف‌افکنان را به‌وضوح به تصویر کشید. امام‌جمعه ارومیه گفت: از این‌رو تدارک بهانه‌های مختلف برای این اختلال در امنیت داخلی در آستانه انتخابات در دستور کار دشمنان نظام اسلامی قرار دارد و سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه با هدف تخریب اتحاد و هم‌زیستی اقوام ایرانی از ده‌های گذشته برنامه‌های متوعی دارند. ظهور و بروز جریان‌های مختلف پان‌ایرانستی، پان‌ترکیستی و پان‌کردیستی با هدف ایجاد اختلاف در بین اقوام شریف ایرانی صورت گرفته و جریان اخیر هم می‌تواند در همین راستا باشد و سکوت رسانه‌ای منتشرکنندگان فیلم توهین درخصوص اقدام‌های مدیرانه رئیس رسانه ملی دلیلی بر این ادعاست ولی به‌جد امیدوارم با درایت و خویشتن‌داری مردم شریف آذری‌زبان یک‌بار دیگر شاهد شکست دشمن باشیم. او افزود: همشهریان عزیزم در آذربایجان غربی را به صبر و گذشت دعوت کرده و از نهادهای امنیتی خواستارم به‌شدت جریانات نفوذی را رصد و نسبت به شناسایی رگه‌های نفوذ توهین اخیر نیز اقدام جدی کنند.

